

## خانواده گرایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با الهام از آموزه‌های قرآنی

محمد رضا کیان پور\*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۱۵

علی اکبر گرجی ازندریانی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱/۱۴

بختیار نصیری اوانکی\*\*\*

### چکیده

قانون اساسی به عنوان سندی بنیادین و بالادستی شناخته می‌شود که با الهام از آموزه‌های قرآنی، حاوی حقوق و آزادی‌های مردم است که توجه به توسعه و تقویت نهاد خانواده نیز از نگاه قانونگذار دور نمانده است، و اصولی از جمله اصل ۱۰ قانون اساسی دولت را ملزم به قانونگذاری و برنامه ریزی به منظور تسهیل، تشکیل و تحکیم مبانی خانواده و حفظ قداست آن نموده است؛ البته اگرچه خانواده حیطة خصوصی است، اما برخی تصمیم‌گیری‌ها درباره آن ابعاد اجتماعی دارد. در چنین مواردی حمایت قانونگذار ضروری می‌شود. بدیهی است این حمایت نباید هرگز به دخالت منجر شود.  
**کلیدواژگان:** خانواده، قانون اساسی، قانون مدنی، آموزه‌های قرآنی.

## مقدمه

بررسی تأثیر نهاد دولت بر تحولات نهاد خانواده در جامعه دینی موضوع جدیدی است که به دلیل شبکه‌ای و متقابل و سازنده بودن رابطه این دو (دولت- خانواده)، و نیز حضور دین در عرصه اجتماعی در سال‌های اخیر مورد توجه قاطبه اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار گرفته است. «نهادهای پویای اجتماعی و نظام کنش‌گر و فعال حقوقی در تأثیر و تأثر با یکدیگر هستند» (Bourdieu, 1987, Vol. 38, p. 814). این نهادها با یکدیگر رابطه‌ای شبکه‌ای داشته و در هم تنیده‌اند (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). از این رو تحول در یک نهاد، می‌تواند سایر نهادهای اجتماعی را نیز متأثر سازد. «در نتیجه، جامعه کلیتی پیوسته است که نمی‌توان آن را تنها به یکی از اجزای سازنده‌اش خلاصه کرد، بلکه جامعه و مناسبات موجود در آن، واقعیات پیچیده‌ای هستند که باید در روابط چندجانبه‌ای که با هم دارند، بررسی شوند (اجتهادنژاد کاشانی، اجلالی، ۱۳۹۳: ۳۹).

در رابطه بین دولت و خانواده، آموزه‌های حیات‌بخش و نورانی قرآن کریم در عرصه اجتماع تحت عنوان فقه اسلامی به عنوان مکمل نهاد رسمی کشور به تقویت نهاد خانواده در جامعه پرداخته است. منظور از فقه نظام معرفتی است که کارش تولید و معرفی همه الگوها و قواعد زندگی است؛ یعنی فقه به ما می‌گوید باید در جهان مدرن، خانواده و بقیه کارهای ما به گونه‌ای متحول شود تا در مسیر تکاملی و مدرن جامعه متناسب با اقتضائات در صیورورت باشد و انتظار این است با تدوین دستورالعمل‌های اجرایی دقیق، گام به گام مسیر تربیتی انسان در خانواده را تبیین نماید تا انسانی کامل و دارای رسالت تربیت شود. انسانی کامل که تنها به فکر خویش نبوده و در فکر ساختن جامعه و کمک به هموعان خویش نیز هست.

از منظر قرآن کریم تعریف خانواده تأمین سعادت معنوی و سلامت روانی را شامل می‌شود. به عبارت دیگر خانواده از منظر قرآن یک واحد اجتماعی است که هدف آن تأمین سعادت معنوی و سلامت روانی برای سه دسته است؛ زن و شوهر، پدر و مادر و فرزندان. همچنین هدف، ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده‌های اجتماعی است. در آیه ۷۴ سوره فرقان می‌خوانیم: «والذین یقولون ربنا هب لنا من أزواجنا قرّة أعین واجعلنا للمتقین إماماً»: «و کسانی که می‌گویند خدایا ما را از همسرانمان نور

چشمان ببخش و ما را رهبر پرهیزکاران گردان». این آیه بر اهمیت خانواده و پیشاهنگی آن در تشکیل جامعه نمونه انسانی اشاره دارد، چنانکه پیوندهای سالم و درخشان خانوادگی را ایده آل پرهیزکاران معرفی می‌کند.

ویلیام گاردنر تشکیل خانواده را متعهد کردن عشق می‌داند که زوجین با ازدواج، خود را وقف خانواده می‌کنند: «سوگند وفاداری زوجین پرمعناترین لحظه ازدواج است. با چنین سوگندی، هر یک از دو زوج تعهد می‌کنند که عشق را از بی اعتقادی برهانند و آن را وقف اهداف بزرگ‌تر خانوادگی، اجتماعی و معنوی کنند. تهاجم‌هایی که حیات خانواده را نشانه گرفته، در درجه نخست، همین تقدس عشق زناشویی را نابود می‌کند (گاردنر، ۱۳۹۲: ۸۸).

این موارد و سایر کارکردهای خانواده موجب شده است که خانواده به عنوان یکی از اساسی‌ترین ارکان اجتماعی شناخته شود و ضرورت تقویت و توسعه آن در جامعه اسلامی باعث شده است که قانون اساسی ملهم از آموزه‌های قرآنی در دهمین اصل خود به این مسأله مهم توجه نماید و مقرر دارد: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». آنچه که از صدر این اصل مستفاد می‌شود این است که در اندیشه قانونگذاران قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برخاسته از آموزه‌های قرآنی است، خانواده اصل و محور شکل دهنده جوامع است و جامعه سازی از این واحد آغاز می‌شود. بنابراین اعضای خبرگان تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تلاش نموده‌اند تا با این نحو قانونگذاری، تمامی مراحل شکل‌گیری خانواده، یعنی مقدمات ازدواج، ازدواج و پس از ازدواج و ولادت فرزندان را مورد حمایت ویژه‌ای قرار دهند تا به این شکل بنیادهای اولیه جامعه اسلامی در بهترین شرایط ایجاد گردد. با توجه به مشروح مذاکرات تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و آراء و نظرات تدوین‌کنندگان قانون اساسی این مهم ملاحظه می‌گردد: «از آنجا که ما در مورد خانواده، در نظام اجتماعی‌مان به اهمیت خاصی معتقد هستیم و اهمیت خانواده و نقش اجتماعی‌اش روی همه

تصمیمات و قوانین و مقررات اجتماعی و اقتصادی تأثیر می‌گذارد، ما لازم دانستیم که این اصل را در اصول کلی بیاوریم (حسینی بهشتی، ۱۳۵۸، ج ۱: ۱۲۸).

تعدادی از اندیشمندان معتقدند رابطه خانواده‌ها با دولت از روابط صرفاً خصوصی اشخاص خارج شده و به حوزه حقوق عمومی و منافع جامعه وارد شده است: «اگرچه تشکیل و اداره خانواده یکی از مسائل مربوط به روابط شخصی و خصوصی افراد است اما به دلیل آنکه خانواده واحد بنیادین جامعه بوده، و از طرفی محلی است که توان تغییر فرهنگ جامعه را دارد، موجب شده است که این نهاد از اهمیتی ویژه برای تئوری پردازان اندیشه اسلامی (که در قامت خبرگان قانون اساسی ظاهر شده بودند) برخوردار شود و از روابط صرفاً خصوصی اشخاص خارج شده و به حوزه حقوق عمومی و منافع جامعه وارد شود» (محمودیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۲۶). از همین رو قانون اساسی ملهم از آموزه‌های قرآنی نیز دولت را ملزم به پاسداری از قداست، استواری، تحکیم مبانی و حمایت همه جانبه از نهاد خانواده با روش‌های عینی و کاربردی نموده است. بعضی از نویسندگان معتقدند دولت باید مرزی میان زندگی خصوصی و زندگی عمومی قائل باشد و نباید در همه چیز دخالت کند. «دولت مطلوب آن است که قلمرو هرچه وسیع‌تری را برای حقوق فردی در نظر بگیرد و خود را به دخالت در آن قلمرو مجاز نداند. بر عکس نامطلوب‌ترین دولت آن است که مرزی میان زندگی خصوصی و زندگی عمومی قائل نباشد و بخواهد در همه چیز دخالت کند» (موحد، ۱۳۹۲: ۲۳۱).

## بیان مسأله

سؤال اساسی مقاله این است که آیا برای حمایت و نیز توسعه و تقویت نهاد خانواده، علی‌رغم تأکید اصول قانون اساسی ملهم از آموزه‌های قرآنی بر اهمیت خانواده، راهکارهای عملی و عینی در قوانین عادی و مقررات و برنامه‌ریزی‌های دولت وجود دارد یا خیر؟ قبل از پاسخ به این سؤال، ذکر این نکته الزامی است که به زعم بعضی از صاحب‌نظران، حتی بدون وجود اصلی مستقل در مورد نهاد خانواده در قانون اساسی نیز دولت‌ها موظف به رعایت و حفاظت و پاسداری از حقوق بنیادین انسان‌ها هستند زیرا این حقوق، قبل از قانون اساسی و پیدایش دولت وجود داشته‌اند و دولت‌ها تنها مسئول حفظ و نگهداری از این حقوق هستند: «آزادی بیان نتیجه طبیعی حق بنیادین انسان

است و این حق را حکومت‌ها اعطا نمی‌کنند. پس وقتی می‌گوییم حق حیات، حق تابعیت، حق بر خانواده سالم، کرامت ذاتی و حق بر آزادی بیان، این‌ها حقوق بنیادین انسان است، و اگر قانون اساسی کشوری آن‌ها را به رسمیت نشناسد، این حق‌ها از بین نمی‌روند. یعنی به لحاظ حقوقی، اشخاص حق دارند اگر قوانینی بر خلاف حقوق بنیادین آن‌ها تصویب شود؛ از آن قانون تخلف کرده و به حق خودشان برسند. حقوق بنیادین ماقبل قانون اساسی است» (محمدی گرکانی، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

### خانواده ذیل نظام‌های اجتماعی

نسبت میان فقه و قرآن (به عنوان مهم‌ترین منبع تشریح نزد فقها) هر پژوهنده‌ای را تشویق می‌کند تا در گفتاری مستقل به بررسی جایگاه خانواده در قرآن کریم بپردازد. مقدس‌سازی قانون، افزون بر تأمین ضمانت اجرایی درونی، نیاز هویتی جامعه اسلامی را نیز تأمین می‌کند.

جامعه اسلامی نیاز دارد تا برای احساس هویت در برابر دیگر تمدن‌هایی که نظام حقوقی امروزی‌نی دارند، دستگاه حقوقی مستقل خود را داشته باشد که البته آن را از طریق انتساب به کتاب آسمانی‌اش مقدس جلوه می‌دهد. لذا در این مبحث ابتدا به بررسی جایگاه خانواده در قرآن کریم می‌پردازیم لیکن به دلیل محدودیت مقاله، ناچار از تطویل آن خودداری می‌کنیم.

### بررسی جایگاه خانواده در قرآن کریم

محوری‌ترین مسأله‌ای که میان حکومت دینی و غیر دینی از ابتدا تفاوت ایجاد می‌کند، انحصار حق قانونگذاری در خداوند است (موسوی خمینی، ۱۳۸۵: ۱۰۰؛ همو ۱۳۸۱: ۱۰۵؛ کاشف الغطاء: ۳۹ و ۳۹۳؛ منتظری، ۱۴۰۹: ۵۹). «کسانی که حکومت را ذاتاً تأسیسی، مدرن و بشری می‌دانند، مسیر قانونگذاری را هم به طور کلی بشری می‌دانند. این در حالی است که انحصار حق قانونگذاری در خداوند به معنای نفی هر گونه دخالت حکومت در نظم عمومی و خصوصی نیست، بلکه از آنجا که شارع گاهی با تأیید برخی روش‌ها، اصول و قواعد عرفی و عقلایی نظر خود را به ویژه در حیطه

زندگی معاملی مردم بیان کرده، همواره امکان دخالت حکومت‌ها در این جهت باز است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹: ۱۲). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملهم از آموزه‌های حیاتبخش و نورانی قرآن است و ارزش خانواده در دین مبین اسلام پیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن استوار است؛ اعضایی که حقوق متقابل، آنان را در کنار هم گرد آورده است و اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم و به دور از خودخواهی‌ها ادامه یابد به کمال انسانی مورد انتظار خواهد انجامید.

### خانواده در قرآن کریم؛ کانون آرامش، مودت و دوستی

خانواده از ابتدای تاریخ تا کنون به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. پرداختن به این بنای مقدس و بنیادین و هدایت آن به جایگاه واقعی‌اش، همواره سبب اصلاح خانواده بزرگ انسانی و غفلت از آن، موجب دور شدن بشر از حیات حقیقی و سقوط به ورطه نابودی بوده است. اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، در قرآن کریم بیش‌ترین توجه را به والایی خانواده دارد. از این رو، این نهاد مقدس را کانون تربیت می‌شمرد. نیک‌بختی و بدبختی جامعه انسانی را نیز به صلاح و فساد این نهاد وابسته می‌داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به آرامش برمی‌شمارد.

بررسی ارزش خانواده در قرآن کریم پیش از هر چیز بر پایه مودت و دوستی بین اعضای آن استوار است؛ اعضایی که حقوق متقابل، آنان را در کنار یکدیگر نگاه داشته است و اگر این جریان بر اساس دوستی و تفاهم و به دور از خودخواهی‌ها ادامه یابد به کمال انسانی مورد انتظار خواهد انجامید. از نگاه قرآن، خانواده، مدرسه محبت و دوستی است؛ در آیه ۲۱ سوره روم آمده است:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُفَكِّرُونَ﴾

«از نشانه‌های او این است که از خود شما جفت‌هایی برای شما آفرید تا نزد ایشان آرامش یابید و میان شما دوستی و مهربانی برقرار ساخت. همانا در این نشانه‌هایی است برای آنان که می‌اندیشند»

## پیام‌های آیات قرآن کریم در اهمیت خانواده الهام بخش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

برخی از آیات قرآن که الهام بخش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز بوده عبارت‌اند از:

۱. «ایمان داشتن به تنهایی کافی نیست، حفظ آن از خطرات و آسیب‌ها مهم است. پس باید مراقبت کرد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنفُسَكُمْ﴾
  ۲. اولین گام در اصلاحات، اصلاح خود و بستگان و سپس اصلاح جامعه است. در این آیه، اصلاح خود و بستگان آمده است. ﴿قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ﴾
  ۳. ایمان به معاد و دوزخ، نقش مهمی در ایجاد تقوا و اصلاح خود و دیگران دارد. ﴿قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾
  ۴. تربیت دینی فرزندان، بر عهده مدیر خانواده است. ﴿قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا﴾
  ۵. نفس انسان، سرکش است و نیاز به حفاظت دارد. ﴿قُوا أَنفُسَكُمْ﴾
  ۶. اولی‌ترین فرد به حفظ انسان، خود انسان است. ﴿قُوا أَنفُسَكُمْ﴾
  ۷. تا زنجیر از پای خود باز نکنیم، نمی‌توانیم دیگران را آزاد کنیم. خودسازی شرط موفقیت در ساختن خانواده و جامعه است. ﴿قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ﴾
  ۸. کیفرها کردن خانواده و نزدیکان، هیزم آتش دوزخ شدن است. ﴿قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ﴾
- ﴿قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ﴾ (قرآنی، ۱۳۸۹: ۵۵).

## جایگاه خانواده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به خانواده به عنوان وسیله‌ای برای تکریم و تعظیم جایگاه والای انسان می‌نگرد. اسلامی کردن خانواده‌ها با الهام از از فقه اسلامی هدف نخستین جمهوری اسلامی ایران است.

به عبارت دیگر چون جمهوری اسلامی ایران یک نظام ایدئولوژیک کمال‌گراست و ورود در همه عرصه‌های زندگی خصوصی و عمومی مردم را برای رشد و کمال انسان، وجهه همت خویش قرار داده است خانواده نیز بی نصیب از این موضوع نیست.

«دولت‌های دینی در پرتو انتظارات حداکثری از آیینی خاص، اشاعه الگوی دینی را سرلوحه کار خویش قرار داده و خاستگاه راستین و حقیقی بهزیستی را نه اراده مستقل شهروند بلکه آموزه‌های دینی می‌دانند» (رحمت الهی، شیرزاد، ۱۳۹۶: ۳۶).

تئوری پردازان حکومت دینی به وضوح به مرجعیت همه جانبه فقه و حقوق اسلامی در عرصه سیاست و اداره جامعه اذعان می‌کنند: «حکومت دینی حکومتی است که مرجعیت همه جانبه دین خاصی را در عرصه سیاست و اداره جامعه پذیرفته است؛ یعنی دولت و نهادهای مختلف آن، خود را در برابر آموزه‌ها و تعالیم دین و مذهب خاصی متعهد می‌دانند. بنابراین، مراد از حکومت دینی این نیست که مردم یا حاکمان متدین باشند. بلکه دینی بودن حکومت به معنای تعیین مبانی و اهداف آن از سوی دین است (واعظی، ۱۳۸۴: صص ۳۱-۳۰). با مراجعه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این سیاست به خوبی قابل مشاهده و ملاحظه است، اصل ۱۰ قانون اساسی دولت را در گام نخست موظف کرده است تا قوانین و مقررات مربوط به خانواده را بر مبنای اسلام و اخلاق تنظیم کند.

از سوی دیگر و در گام بعدی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت اسلامی را موظف کرده است تا علاوه بر اسلام و اخلاق، قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های خود را بر پایه حقوق تنظیم کند. بر این اساس باید گفت طبق اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، لازم است سایر قوانین و مقررات خانواده بر اساس اسلام، اخلاق و حقوق تنظیم و تدوین یابد و این اصل بر تمامی قوانین و مقررات سیطره دارد و حاکم بر آنهاست، و به موجب اصل مذکور می‌توان قوانین عادی یا آیین‌نامه‌های مغایر با این اصل را غیر معتبر و فاقد ارزش دانست.

بر این اساس ایجاد آرامش و آسایش اعضا و ارکان خانواده‌ها، منع تبعیض، برداشتن موانع ازدواج و تسهیل تشکیل خانواده و همچنین فراهم آوردن مقدمات ازدواج آسان، ایجاد نگرش سیاسی در کتاب‌ها و رسانه‌ها برای شکل‌گیری افکار افراد جامعه و... نمونه‌هایی از شیوه‌های حمایت از خانواده است. همچنین جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها و طلاق، از جمله رهنمودهایی است که دولت موظف است در راستای استوارسازی و تحکیم نهاد خانواده داشته باشد.



### جایگاه خانواده در قانون مدنی

«خانواده در قانون مدنی و دیگر قوانین ایران تعریف نشده است و تنها موادی در قانون مدنی با الهام از فقه اسلامی به ضرورت تشیید مبانی خانواده تأکید نموده است از جمله ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی اشاره می‌کند که زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد خود به یکدیگر معاضدت نمایند» (روشن، ۱۳۹۱: ۵۶).

این قانون به عنوان جامع‌ترین، باثبات‌ترین و قدیمی‌ترین قانون در نظام حقوقی ایران بعد از مشروطیت شناخته می‌شود، و به طور خاص از ماده ۱۰۳۴ به بعد با پرداختن به موضوع خواستگاری و شرایط ازدواج و حقوق و تکالیف متقابل زوجین و شرایط و انواع طلاق و حضانت می‌پردازد. به طور خاص مواد ۱۱۰۳ و ۱۱۰۴ زوجین را ملزم به حسن معاشرت و معاضدت در حفظ مبانی خانواده و تربیت فرزندان نموده و با تصریح در این مواد به لزوم تحکیم مبانی خانواده در این احکام توجه کرده است.

علاوه بر آن در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۱۰۵ با الهام از آیات قرآن و سخنان معصومان علیهم السلام ریاست خانواده را از نقش‌ها و وظایف شوهر اعلام کرده است. ﴿الرجال قوامون على النساء﴾ (نساء / ۳۴).

### خانواده در قانون اساسی کشورهای جهان

در حالی که در قانون اساسی کشورهای آمریکا، نروژ، بلژیک، فنلاند، فرانسه، و لبنان اصل مستقلى در خصوص خانواده وجود ندارد.

در قانون اساسی تعدادی از کشورهای جهان، اصل مستقلى به موضوع خانواده اختصاص یافته است که این امر شاید نشان دهنده اهمیت قانونگذاران قانون اساسی به موضوع خانواده باشد. قانون اساسی کشورهای ایران، افغانستان، ژاپن، تایلند، الجزایر، سوریه، عراق، کویت، مراکش، گرجستان، کرواسی، اسپانیا، ایتالیا و آلمان از جمله این کشورها هستند. مثلاً در اصل نهم قانون اساسی کویت آمده است: «خانواده اساس جامعه را تشکیل می‌دهد و بنیه خانواده را دین، اخلاق و میهن دوستی پدید می‌آورد.

قانون از موجودیت خانواده حمایت کرده، پیوندهای آن را تقویت می‌بخشد و در

پرتو آن پیوندهای مادری و فرزندی را محفوظ می‌دارد».

## بررسی راهکارهای عینی کاربردی قوانین و مقررات برای حمایت از خانواده

امروزه یک پرسش کلی این است که حکومت در اجرای اصل دهم قانون اساسی چه راهکارهای کاربردی برای حمایت از خانواده اندیشیده است. به صورت خاص نیز این پرسش وجود دارد که با توجه به اینکه خانواده یک نهاد غیر دولتی و برخاسته از خواست و تدبیر آحاد جامعه در پاسخگویی به یک نیاز طبیعی و عقلایی انسان است، و از این دیدگاه در حوزه اختیارات و شئون دولت و حکومت قرار نمی‌گیرد و دست بالا این است که دولت پشتیبان اجرای احکام و مقررات مربوط به آن است، آیا حکومت اسلامی از موضع حق حاکمیت خود می‌تواند به هدف اجرا و در طول احکام موجود که چگونگی شکل‌گیری و استمرار و انحلال نهاد خانواده و چگونگی مناسبات موجود میان اعضای آن را تعریف کرده، بر پایه مصالح کلی فرد و خانواده و جامعه که استیفای آن در حوزه صلاحیت‌ها و وظایف حکومت است، به سیاستگذاری و تعیین چارچوب‌های کلی یا جزئی بپردازد؟ (مرتضوی، ۱۳۹۵: ۵).

جایگاه خانواده به عنوان گسترده‌ترین نهاد اجتماعی با خاستگاهی طبیعی و غریزی چنان است که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند خود را فارغ از مسائل آن بشمارد. «دولت‌ها در هر دو حوزه حاکمیتی و تصدی‌گری، توجه جدی به حمایت از خانواده و مسائل مرتبط به آن دارند و اعمال قدرت در بخشی از شئون آن را در شمار اختیارات و وظایف خود می‌دانند؛ اموری مانند سن ازدواج، رعایت چارچوب‌های بهداشتی، ثبت ازدواج و طلاق و ولادت فرزند، میزان مهریه، نفقه و میزان آن، فرزندآوری و تعداد آن، حضانت، تعدد همسر، نامگذاری و شغل فرزندان (سروش محلاتی، ۱۳۷۸: ۵۷). با این مقدمه، معرفی و شناسایی راهکارهای کاربردی و عینی حمایت از خانواده به شرح ذیل می‌باشد:

### ۱. وجود قوانین و مقررات متعدد و متنوع مرتبط با خانواده

یکی از مهم‌ترین راهکار کاربردی برای حمایت از خانواده و اجرای اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود قوانین و مقررات متعدد و متنوع مرتبط با خانواده در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران است. اگر بپذیریم که وجود قوانین و مقررات متعدد و متنوع مرتبط با خانواده یک قوت است و نه ضعف، می‌توانیم ادعا کنیم که در

این زمینه با خلأی مواجه نیستیم. بر همین اساس و مستند به آمار رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و نیز سامانه ملی قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران (معاونت حقوقی ریاست جمهوری) بیش از ۱۳۶ عنوان قانون و مقررات مرتبط با حوزه خانواده از تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ (تاریخ تشکیل شورای انقلاب به مثابه اولین نهاد هنجارگذار حقوقی در جمهوری اسلامی) تا کنون وجود دارد که همه این قوانین و مقررات راهکارهایی را برای ارتقای کمی و کیفی نهاد خانواده ارائه کرده‌اند از موضوعات اعم از تدریس دو واحد درس تحت عنوان "جمعیت و دانش خانواده" تا «سیاست‌های کلی خانواده» و «قوانین تنظیم خانواده و جمعیت» را در بر می‌گیرد (مهدوی زاهد، ۱۳۹۶: ۱۲۵) البته عبارات موسع، کشدار و احياناً مبهمی که در قوانین مرتبط با خانواده وجود دارد باید اصلاح گردد؛ چون دست قاضی در تفسیر آن‌ها باز است، مجال برای صدور احکام غیر عادلانه فراهم می‌شود؛ عناوینی مانند مصلحت (تبصره مواد ۱۱۶۹ و ۱۱۱۷ ق.م)، عسر و حرج (۱۱۳۰ ق.م)، حسن معاشرت، تشدید مبانی خانواده (۱۱۰۳ ق.م) و مظنه ضرر (۱۱۰۴ ق.م). زیرا از نظر برخی حقوق‌دانان عبارات قانونی باید خالی از ابهام، اجمال، سکوت یا تعارض باشند تا به اصلاح یا تغییر مقررات در مراجع تقنینی و یا تفسیر قانون توسط دادرسان که منجر به رویه قضایی دارای منشأ الزام قانونی یا منشأ الزام معنوی شود، نیازمند نباشند (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۰).

## ۲. وجود دستگاه‌ها و سازمان‌های متعدد سیاستگذار در موضوع زنان و خانواده در جمهوری اسلامی

در جمهوری اسلامی تعداد زیادی دستگاه و سازمان‌های سیاستگذار در موضوع زنان و خانواده وجود دارند که اگر با شرح وظایفی مناسب و سنجیده عمل کنند کارآمد و اثربخش تلقی می‌شوند، و راهکاری عملی برای خروج از بحران‌ها و ایده‌پردازی در حوزه خانواده محسوب می‌شوند. البته باید سعی شود شرح وظایف این دستگاه‌ها و سازمان‌های متعدد سیاستگذار هم‌پوشانی نداشته باشند زیرا بعضی معتقدند با وجود هم‌پوشانی شرح وظایف این دستگاه و سازمان‌های سیاستگذار امیدی به ارائه طریق‌های مناسب وجود ندارد. «وجود شرح وظایفی که در اغلب موارد با صبغه‌ای ایدئولوژیک تدوین شده و با

یکدیگر هم‌پوشانی دارند، دلالت بر مداخله حداکثری و محدودگر حکومت در تنظیم‌گری روابط اجتماعی این حوزه دارد. چنانکه به نظر می‌رسد که تعدد مراجع هنجارگذار در این زمینه به تنظیم‌گری کارآمد منجر نشده، و بود و نبود این متولیان تأثیری بر بسامانی مسائل زنان و خانواده در مقام عمل ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

### ۳. تصویب قانون حمایت خانواده

از دیگر راهکارهای ملموس برای حمایت از خانواده و اجرای اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون جدید حمایت خانواده است که این قانون در عرصه مقررات شکلی ناظر بر دعاوی خانوادگی شامل نوآوری‌هایی است. بر اساس قانون جدید، برای رسیدگی مناسب‌تر به دعاوی مربوطه، قوه قضائیه به تشکیل دادگاه خانواده در حکم دادگاهی اختصاصی ملزم شده است. دادگاه‌های مزبور صلاحیت ذاتی ویژه داشته‌اند و صرفاً به دعاوی احصا شده در قانون می‌پردازند... همچنین با توجه به ویژگی دعاوی خانوادگی برای قضات زن نقش بیش‌تری قائل شده است. همچنین اصل عدم لزوم تبعیت از تشریفات آیین دادرسی مدنی در این قانون احیا و تصریح شده است؛ البته در مواردی نیز برای تأمین مصالح خانوادگی تشریفات ویژه‌ای پیش‌بینی شده است. البته نظرهای مراکز مزبور نافی اصل استقلال قضات نبوده، مراکز مزبور در حکم بازوی مشورتی دادگاه‌ها عمل می‌کنند. عملکرد مناسب مراکز مزبور که دست کم نیمی از اعضای آن الزاماً باید از میان بانوان متخصص انتخاب شوند، ممکن است در رسالت دادگاه‌های خانواده تأثیر مستقیم داشته باشد. به ویژه اینکه در مواردی مشارکت دادن مراکز مزبور الزامی است درباره اجرای مناسب‌تر احکام صادرشده از دادگاه خانواده نیز قانون جدید دربردارنده مقررات جدیدی است. در این میان، به لزوم وجود شرایطی برای اجرای برخی از احکام تصریح شده تا از سویی، اجرای احکام تسهیل شود و از سوی دیگر، اجرای زودهنگام رأی، تبعات نامطلوب اجتماعی به بار نیآورد. همچنین برای تأمین اجرای مطلوب احکام دادگاه‌های خانواده تضمین‌های مناسبی اندیشیده شده است. برای نمونه، برای فرهنگ سازی درباره مهریه و نیز جلوگیری از فروپاشی نهاد خانواده بر اثر برخی اختلافات کم‌اهمیت، اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای

محکومیت‌های مالی محدود شده است. همچنین برای تضمین اجرای حکم حضانت، ضمانت اجرای بازداشت را پیش بینی کرده است.

#### ۴. تأسیس دادگاه خانواده در ایران

رسیدگی‌های محاکم خانواده از حقوق افتراقی است. حقوق افتراقی به معنای اعم شامل امور حسبی و نیز بخشی از حقوق مدنی ترافعی است که نیازمند اجرای تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست. این مسأله خود امری مطلوب و موجب تسهیل در امر رسیدگی در دعاوی خانوادگی است (حبیبی تبار، ۱۳۸۸: ۵۷).

اختصاصی بودن دادگاه خانواده از مواد ۱ و ۲ قانون، به ویژه از تبصره ۱ ماده ۱ استنباط می‌شود. فایده اختصاصی بودن دادگاه خانواده این است که دادگاه مزبور منحصرأ به دعاوی خانوادگی رسیدگی می‌کند. این امر نه تنها دقت رسیدگی را فزونی می‌بخشد، بلکه مجال توجه به اقتضائات دعاوی خانوادگی را برای قاضی فراهم می‌کند. توضیح اینکه، طبیعت دعاوی خانوادگی مقتضی این است که قاضی علاوه بر تجربه، حوصله و دقت کافی، از چنان تدبیری بهره مند باشد که از راه‌های گوناگون، از جمله پند و اندرز، زمینه اصلاح ذات البین و تأمین غبطه و مصلحت اعضای خانواده، به ویژه فرزندان، را فراهم کند. همچنین قاضی دادگاه خانواده باید چنان تدبیری داشته باشد که بتواند در انشای رأی، مصالح گوناگون اجتماعی، خانوادگی و فردی را لحاظ کند (شمس، ۱۳۸۱: ۸۶).

#### ۵. مصلحت، تعیین کننده احکام دادگاه‌های خانواده

به زعم بعضی از محققان امروزه رعایت مصلحت و غبطه کودکان و نوجوانان در خانواده تعیین کننده حکم دادگاه است. به عبارت دیگر اگر قاضی امری را به مصلحت کودکان و نوجوانان تشخیص دهد می‌تواند علیرغم میل باطنی دیگران به نفع کودکان و نوجوانان حکم دهد: «مهم‌ترین ماده‌ای که می‌تواند باعث تحول بنیادین در حقوق کودک و موضوع حضانت باشد ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده می‌باشد. طبق این ماده «رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاه‌ها و مقامات اجرایی الزامی

است». این ماده تصمیم‌گیری در همه موضوعات مربوط به کودک از جمله حق حضانت، حق ملاقات، خروج از کشور و... را منوط به لحاظ مصلحت کودک و نوجوان کرده است. به عبارت بهتر اگر چنانچه قاضی تشخیص دهد امری به مصلحت کودک است باید اجرا شود. مشابه ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده، بند یک ماده سه کنوانسیون حقوق کودک است. در این ماده می‌خوانیم: در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاه، مقامات اجرایی یا ارگان‌های حقوقی انجام می‌شود، منافع کودک از اهم ملاحظات می‌باشد» (بهنام، ۱۳۵۲: ۴۵).

### ۶. امکان مصادق‌یابی عسر و حرج و بروز رسانی قانون درباره آن

یکی دیگر از راهکارهای کاربردی برای حمایت از خانواده و اجرای اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران احاله تشخیص مصادیق عسر و حرج به حاکم است که ارتباط احکام خانواده را با قاضی بیش‌تر کرده است. نفی عسر و حرج به عنوان یک قاعده فقهی قابلیت‌های فراوانی دارد و می‌توان از آن برای حل مسائل خانواده امداد جست. اهمیت این قاعده تا حدی است که از نظر برخی فقها بر اصالة الاحتیاط هم حکومت دارد خوبی، ج ۱: ۲۳۰). این گفته ممکن است در ابواب متفاوت فقه به راحتی فهم و پذیرفته شود، اما درباره اجرای آن در خانواده امساک زیادی به خرج داده می‌شود. «وجود اصل حفاظت خانواده که از مجموع ادله استحباب مؤکد ازدواج، مبعوض بودن طلاق، لزوم رفع شقاق میان زوجین ولو با دخالت حکمین، نبود انواع خیار معاملاتی در عقد نکاح، نبود امکان اقاله و نبود امکان فسخ مگر در موارد معین شده اصطیاد شده است؛ فقهای عظام را بیش‌تر به سمت اصالة الاحتیاط درباره خانواده سوق داده است (علاسوند، ۱۳۹۲: ۷۹-۸۰).

از اسناد قضایی معلوم می‌شود تعریف عسر و حرج برای قضات نیز مهم است، ولی تشخیص مصادیق آن به عهده دادگاه نهاده شده است (مجموع قوانین و مقررات خانواده، ۱۳۹۰: ۱۸۶). اگرچه واگذاری تشخیص مصادیق عسر و حرج به محاکم گریزناپذیر است، ولی باید چاره‌ای اندیشید تا از پیامدهای امساک قضات در حکم به تحقق آن در موارد بایسته جلوگیری کرد. این مهم با راهکار فقهی و حقوقی و اصلاح قانون ممکن است؛

برای مثال یکی از کاربردهای قاعده عسر و حرج، طلاق است. زمام طلاق در اختیار شوهر است و زن در صورتی که از جانب شوهر برای طلاق وکالت نداشته باشد، تنها در صورت کراهت از شوهر می‌تواند درخواست خلع نماید. در این باره از آیت الله فاضل لنکرانی سؤال شد «زنی که از شوهر خود کراهت شدید دارد و مهریه خود را می‌بخشد تا طلاق خلع جاری شود ولی شوهر حتی به مازاد بر مهر قبول نمی‌کند، تکلیف چیست؟» ایشان فرمودند: «در صورتی که ثابت شود ادامه زندگی برای زن همراه با عسر و حرج شدید است، حاکم شرع می‌تواند طلاق خلع مزبور را انجام دهد. اگرچه شوهر راضی نباشد» (فاضل لنکرانی، ۱۴۱۹: ۴۲۱). مرحوم شیخ طوسی نیز خلع از سوی مرد را در صورتی که زن بگوید به گناه می‌افتم، واجب دانسته‌اند طوسی، ۱۴۰۰: ۵۲۹).

مرحوم سید محمد کاظم یزدی در فرض ناتوانی مرد از پرداخت نفقه، در صورت جوانی زن و عسر و حرج وی در طول زندگی با این مرد، به جواز طلاق قضایی معتقدند (یزدی، ۱۴۱۴: ۷۵). همچنین اگر شوهر غایب شود و زن از جهات دیگری غیر از نفقه در حرج باشد. مثلاً در صورت صبر کردن، در معرض فساد باشد حاکم قبل از گذشت مدت چهار سال و بعد از اعلام زن در صورتی که از پیدا شدن شوهر مأیوس بوده باشند، می‌تواند زن را طلاق دهد (موسوی خمینی، ۱۳۸۱: ۱۴۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۹: ۴۲۵).

#### ۷. تفویض تعیین میزان نفقه زوجه بر عهده عرف

یکی دیگر از راهکارهای کاربردی برای حمایت از خانواده و اجرای اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران احاله تشخیص میزان نفقه بر عهده عرف است. قانونگذار یا زوجین می‌توانند پس از مراجعه به عرف و با توجه به شئون زوجه، مصادیقی را تحدید کنند. بدیهی است ماهیت این تحدید در واقع تمثیل به حسب عرف است. زوجین می‌توانند در قرارداد لازم الوفاء خود، بر مواردی توافق کنند که در این صورت مصادیق نفقه را فیما بین خود تحدید کرده‌اند. چنین توافقی در صورت بروز اختلاف با وضوح بیش‌تری مورد دعوی قرار می‌گیرد و یا بهتر است بگوییم اساساً از بروز اختلاف جلوگیری می‌کند (علاسوند، ۱۳۹۲: ۸۵).

## ۸. تأسیس مراکز مشاوره خانواده

تأسیس مراکز مشاوره خانواده از دستاوردهای مثبت قانون حمایت خانواده است که ممکن است از برخی طلاق‌های مبتنی بر هیجانات، احساسات و غیر عقلایی جلوگیری کند. تأسیس مراکز مذکور یکی دیگر از راهکارهای کاربردی برای حمایت از خانواده و اجرای اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای فصل دوم قانون حمایت خانواده (مواد ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۵) و نیز آئین نامه اجرایی قانون حمایت خانواده (مواد ۳۰ تا ۴۶) تحت عنوان مراکز مشاوره خانواده و دستور العمل نحوه تشکیل و فعالیت مراکز مشاوره خانواده می‌باشد. ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده قوه قضائیه را موظف نموده است؛ ظرف سه سال از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون مراکز مشاوره خانواده را به منظور تحکیم مبانی خانواده و جلوگیری از افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق و سعی در ایجاد صلح و سازش، در کنار دادگاه‌های خانواده ایجاد کند.

## ۹. ارجاع کلیه موارد درخواست طلاق به جز طلاق توافقی به داوری

از دیگر راهکارهای کاربردی برای حمایت از خانواده و اجرای اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزام ارجاع کلیه موارد درخواست طلاق به جز طلاق توافقی به داوری است که ماده ۲۷ قانون حمایت خانواده این الزام را ایجاد کرده، و اشعار می‌دارد: در کلیه موارد درخواست طلاق، به جز طلاق توافقی، دادگاه باید به منظور ایجاد صلح و سازش موضوع را به داوری ارجاع کند. دادگاه در این موارد باید با توجه به نظر داوران رأی صادر و چنانچه آن را نپذیرد، نظریه داوران را با ذکر دلیل رد کند.

## ۱۰. به رسمیت شناختن حق اشتغال زنان در قانون اساسی

یکی دیگر از راهکارهای کاربردی برای حمایت از خانواده و اجرای اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق اشتغال زنان است. بر طبق اصل ۲۸ قانون اساسی: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل



ایجاد نماید». این اصل با تعبیر «هر کس» حکم عامی را بیان نموده و بین زن (اعم از زوجه یا غیر آن) و مرد فرقی قایل نشده است. این اصل دولت را موظف می‌کند، زمینه اشتغال را برای «همه افراد» با شرایط برابر ایجاد کند. در اصل ۴۳ قانون اساسی؛ بند دوم و چهارم اشعار می‌دارد: «تأمین شرایط و امکانات کار، برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند». «رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری». در متن فوق نیز با تعبیر «همه» بر حق تمام مردان و زنان در اشتغال تأکید شده است. اصل ۲۱ قانون اساسی: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او ...». تعبیر «حقوق زن در تمام جهات» عام است و یکی از مصادیق آن حق اشتغال است.

طبق قانون شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که مخالف مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند. البته شوهر نمی‌تواند خودسرانه مانع اشتغال زن شود و باید به دادگاه مراجعه و تقاضای منع اشتغال زوجه به دلیل مخالفت شغل زن با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود را کند و این موضوع را در دادگاه به اثبات برساند. اشتغال زن در ادارات دولتی را نمی‌توان منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات زن و یا شوهر تفسیر کرد و در حالتی که شوهر به وضع اشتغال زن آگاه بوده و با رضایت کامل به این موضوع ازدواج کرده است ولی بعدها خواستار عدم اشتغال او باشد صرف اطلاع و آگاهی او مانع از اعمال این حق نمی‌شود و می‌تواند از اختیار قانونی‌اش استفاده کند اما این بدان معنا نیست که دادگاه نیز ادعای او را بپذیرد، و وظیفه دادگاه آن است که به ادعا و درخواست شوهر مبنی بر آنکه اشتغال زن با حیثیت او و یا همسرش مخالفت دارد رسیدگی کند و صرف ادعای شوهر کفایت نخواهد کرد.

### ۱۱. ضمانت اجرای حکم دادگاه

از دیگر راهکارهای کاربردی برای حمایت از خانواده و اجرای اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ضمانت اجرای حکم دادگاه است. به عبارت دیگر در نظر گرفتن

اقتضائات دعاوی خانوادگی ایجاب می‌کند اجرای حکم دادگاه از ضمانت اجرایی ویژه برخوردار باشد. در قانون حمایت خانواده از سوی، برای اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی به نسبت محکومیت‌های مهریه، محدودیت‌هایی پیش‌بینی شده است و از سوی دیگر، برای تضمین اجرای حکم حضانت، ضمانت اجرای بازداشت مقرر شده است. به موجب ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده: هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی است.

چنانچه مهریه بیش‌تر از این میزان باشد، در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. منطق حاکم بر این حکم صیانت از نهاد خانواده است. توضیح اینکه امکان بازداشت زوج به دلیل پرداخت نکردن مهریه‌های سنگین امری مغایر با اخلاق است و زمینه گسست بنیان خانواده‌ها را فراهم می‌آورد؛ البته پایبند نبودن زوج به پرداخت مهریه متعارف نیز از نظر اخلاقی پذیرفته نیست. به همین دلیل، قانونگذار راه میانه را پیموده و برای پیشگیری از سوء استفاده زوج، ضمانت اجرای ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی را اساساً منتفی ندانسته است.

### نتیجه بحث

بررسی‌های به عمل آمده در این پژوهش نشان می‌دهد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملهم از آموزه‌های قرآنی به عنوان سندی بنیادین، حقوق و آزادی‌های مردم از جمله توجه به توسعه و تقویت نهاد خانواده موضوع اصل ۱۰ قانون اساسی را به رسمیت شناخته است و مورد تأکید قرار داده است.

این تأکید، نیازمند نگاهی برنامه-محور و جامع توسط دولت در امر خانواده است و برداشتن گام‌های عملی و ارائه راهکارهای عینی کاربردی برای توسعه و تقویت نهاد خانواده برای خروج از بحران‌های گوناگون، ضروری است. همچنین از بررسی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ملهم از آموزه‌های قرآنی مستفاد می‌گردد که این اصول با الهام از آموزه‌های قرآنی در جهت توسعه و تقویت نهاد خانواده توصیه‌های لازم و ضروری را به دولت نموده است؛ و دولت‌ها باید با مبنا قرار دادن اصول قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران ملهم از آموزه‌های قرآنی به حوزه خانواده بپردازند. به عبارت دیگر ابتدای نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ملهم از آموزه‌های قرآنی بر تقویت نهاد خانواده است ولی فقدان یک استراتژی کلی و فقدان تدوین یک چشم انداز اساسی موجب شده است، خانواده دچار نابسامانی‌های جدی شود. در این پژوهش بررسی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد خانواده با ظرفیت سازی، اصلاح الگوی سبک زندگی و حفظ عاملیت خود به حکومت کمک می‌رساند همچنان که حکومت نیز از طریق اقتداربخشی به خانواده، حمایت از والدگری و همسری، باز تعریف شاخص‌های رشد درباره خانواده، تقویت ویژگی‌های مثبت قومی در پاسداشت حریم خانواده، اتخاذ نگاه غیر انضمامی به خانواده، لزوم هم‌گرایی نهادی در قبال خانواده، اتخاذ راه حل‌های سیستمی و فرآیندی و شناسایی مسئولیت نهادهای هنجارساز در درون خود می‌تواند به کارآمدی خانواده و حل مسائل آن کمک برساند.

این پژوهش همچنین نشان می‌دهد؛ اگرچه خانواده حیطة خصوصی است، اما برخی تصمیم‌گیری‌ها درباره آن ابعاد اجتماعی دارد. در چنین مواردی حمایت قانونگذار ضروری می‌شود. بدیهی است این حمایت نباید هرگز به دخالت منجر شود زیرا صاحب‌نظران این حوزه معتقدند دخالت دولت در خانواده منجر به ناکارآمدی نهاد خانواده می‌گردد و خانواده را از کارکردهای اصلی خود می‌اندازد. به عبارت دیگر دولت حق ندارد در کانون خانواده دخالت کند، بلکه باید خود را همکار، همراه و خادم خانواده بداند و سیاست‌های دولت باید حمایتی باشد و نه مداخله‌گرایانه. و سرانجام اینکه راهکارهای عینی کاربردی حمایت از خانواده در حقوق ایران شامل وجود قوانین و مقررات متعدد و متنوع مرتبط با خانواده، وجود دستگاه‌ها و سازمان‌های متعدد سیاستگذار در موضوع زنان و خانواده در جمهوری اسلامی، امکان مصداق‌یابی عسر و حرج و بروزرسانی قانون درباره آن، تصویب قانون حمایت از خانواده، تأسیس دادگاه خانواده، تشکیل مراکز مشاوره خانوادگی، تفویض تعیین میزان نفقه زوجه بر عهده عرف، ایجاد واحد داوری، به رسمیت شناختن حق اشتغال زنان در قانون اساسی و... می‌شود. سخن آخر اینکه حکومت باید ضمن ترویج مفاهیم ایجابی درباره همسری و والدگری از فروپاشی

تابوهای مربوط به طلاق، خیانت به همسر، خشونت در خانواده و ضعف مدیریت فرزندان هنجارشکن سنت گریز ممانعت به عمل آورد.

با توجه به بررسی‌های به عمل آمده در این پژوهش، پیشنهاد می‌گردد به منظور ایجاد فرهنگ عمومی برای احترام به خانواده و تقویت و توسعه آن، سازمانی جامع و متمرکز برای مطالعه همه جانبه خانواده با توجه به وجود انبوهی از سازمان‌های ریز و درشت سیاستگذار در حوزه خانواده؛ با هدف جلوگیری از موازی کاری و پرهیز از اتلاف منابع و امکانات عمومی کشور، و با توجه به فرهنگ‌ها و خرده فرهنگ‌های کشورهای کشورمان تأسیس شود. تشکیل این سازمان از وظایف ذاتی نظام سیاسی و اداری کشور است که ضرورت دارد بر اساس مطالعه تطبیقی تجربه‌های موجود، با بهره‌گیری از متدهای اسلامی، استراتژی و خطوط کلان کشور در حوزه خانواده را سیاستگذاری کند. همچنین پیشنهاد می‌گردد به منظور بهره‌مندی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بخش خصوصی در کنار این سازمان رسمی، تشکیل و توسعه و تقویت سازمان‌های مردم نهاد وجهه همت حکومت قرار گیرد. پیشنهاد می‌گردد به طور کلی به پدیده اصلاح الگوی ازدواج و طلاق، فرزندآوری و تربیت فرزند، در نظام اجتماعی توجه شود. همچنین حکومت باید امکان نشاط و بالندگی خانواده‌ها را با اختصاص منابع و بودجه‌های مناسب فراهم آورد و از دخالت‌های ناشیانه و غیر کارشناسی در امور خانواده‌ها و نیز سرک کشیدن به زندگی خصوصی مردم پرهیز نماید، و از امر و نهی‌های قییم‌آبانه و از بالا به پایین در امور خانواده خودداری کند.

پیشنهاد می‌گردد عبارات موسع، کشدار و احياناً مبهمی که در قوانین خانواده وجود دارد اصلاح گردد؛ چون دست قاضی در تفسیر آن‌ها باز است، مجالی برای صدور احکام غیر عادلانه فراهم می‌شود؛ عناوینی مانند مصلحت (تبصره مواد ۱۱۶۹ و ۱۱۱۷ ق.م.)، عسر و حرج (۱۱۳۰ ق.م.)، حسن معاشرت، تشیید مبانی خانواده (۱۱۰۴ ق.م.) زیرا از نظر برخی حقوق‌دانان عبارات قانونی باید خالی از ابهام، اجمال، سکوت یا تعارض باشند تا به اصلاح یا تغییر مقررات در مراجع تقنینی و یا تفسیر قانون توسط دادرسان که منجر به رویه قضایی دارای منشأ الزام قانونی یا منشأ الزام معنوی شود، نیازمند نباشند.

پیشنهاد می‌گردد با تخصیص منابع و امکانات مناسب، بسیج ملی همراه با عزم جدی برای توسعه و تقویت نهاد تأثیرگذار خانواده با بهره‌گیری از آموزه‌های فقه و حقوق اسلامی با نگاهی برنامه محور و جامع در امر خانواده اعلام شود.

پیشنهاد می‌گردد حکومت با تمرکز بر مسائل اصلی جوانان و پرهیز از تنش‌های سیاسی داخلی و بین‌المللی موجبات رونق اقتصادی بازار را فراهم آورده، و در نتیجه موجبات کاهش هزینه‌های زندگی و سرانجام امکان ازدواج مشروع و قانونی و فرزندآوری را فراهم آورد. اگر اقدام سریع در این زمینه صورت نگیرد، مشکلات فردای خانواده ایرانی بیش‌تر از امروز آن خواهد بود.

پیشنهاد دیگر در بحث سیاستگذاری خانواده آن است که دولت کنش‌گر فعال باشد و نه مداخله‌گر، دولت باید یک حامی و دوست برای خانواده باشد زیرا علی‌رغم اینکه در جمهوری اسلامی سیاستگذاری‌ها و اقدامات متعددی برای حفظ ساختار و کارکرد سنتی نهاد خانواده انجام شده؛ اما به نظر می‌رسد بر مبنای تحلیل ثانویه داده‌های ملی، نتیجه مورد نظر حکمرانان حاصل نگردیده است. زیرا «اداری کردن نهاد خانواده» و اتکا بر «اعمال اعمال حاکمیتی و دیوان سالارانه» در این خصوص، این نهاد را از عرصه جهان اجتماعی خارج و مجموعه‌ای از بحران‌ها و آشفتگی‌ها را به همراه خواهد داشت. زیرا پدرسالاری دولتی به دلیل ضعف در درک درست واقعیات، در صدد مدیریت دولتی امر ازدواج برآمده و در این جهت مداخلاتی می‌کند. سوء مداخلاتی که با ورود به حوزه و حریم خصوصی افراد، ضمن تهدید و تحدید حق‌های فردی و آزادی‌های بنیادین مانند «حق بر اشتغال»، «حق برابر مسکن» به برقراری تبعیض نظام‌مند بین افراد انجامیده و چالش‌های متعددی را برای افراد به همراه خواهد داشت. بر این بنیاد به نظر می‌رسد که حفظ «خود تنظیم‌گری نهاد خانواده» ضروری است، زیرا این نهاد اجتماعی از الزامات نظام‌های صوری سیاسی تبعیت نمی‌کند، از این رو تلاش برای نادیده گرفتن منطق کنش اجتماعی و جایگزینی منطق‌های دیوانی و اداری به افول بیش‌تر نهاد خانواده می‌انجامد. بر این اساس در موارد تنظیم‌گری ضروری نهاد خانواده باید از چشم اندازه‌های درونی و مشارکت عرصه خصوصی و جوامع مدنی بهره جست و در موارد اجتناب ناپذیر، باید قانونگذاری دمکراتیک و عادلانه داشت. دولت مطلوب آن است که قلمرو هرچه

وسیع‌تری را برای حقوق فردی در نظر بگیرد و خود را به دخالت در آن قلمرو مجاز نداند. بر عکس نامطلوب‌ترین دولت آن است که مرزی میان زندگی خصوصی و زندگی عمومی قائل نباشد و بخواهد در همه چیز دخالت کند.

## کتابنامه

قرآن کریم.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قانون مدنی.

اعزازی، شهلا. ۱۳۸۷ش، جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر، چاپ چهارم، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

امینی، ابراهیم. ۱۳۸۶ش، آئین همسررداری یا اخلاق خانواده، چاپ هفدهم، قم: نشر اسلامی.

آزاد ارمکی، تقی. ۱۳۸۸ش، خانواده و آسیب‌شناسی مطالعات خانواده در ایران، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

آزاد ارمکی، تقی. ۱۳۹۳ش، جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.

آزاد ارمکی، تقی. ۱۳۹۵ش، تغییرات، چالش‌ها و آینده خانواده ایرانی، چاپ اول، تهران: انتشارات تپسا.

بستان، حسین و همکاران. ۱۳۷۴ش، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

بهنام، جمشید. ۱۳۵۲ش، ساخت‌های خانواده و خویشاوندی در ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات خوارزمی.

تقوی، نعمت‌الله. ۱۳۸۵ش، جامعه‌شناسی خانواده، چاپ دوم، تهران: دانشگاه پیام نور.

حسینی بهشتی، سید محمد. مشروح مذاکرات تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: دبیرخانه مجلس خبرگان قانون اساسی.

خوبی، سیدابوالقاسم. بی تا، مصباح الاصول، قم: مکتبه‌الداوری.

راسخ، شاپور. ۱۳۴۷ش، تعلیم و تربیت در جهان امروز، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

رحمت‌الهی، حسین و امید شیرزاد. ۱۳۹۶ش، کمال‌گرایی و بی‌طرفی و آثار آن در ساختار قدرت و حقوق عمومی، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.

رحمت‌الهی، حسین. ۱۳۸۸ش، تحول قدرت، دولت و حاکمیت از سپیده دمان تا تاریخ تا عصر جهانی شدن، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

روشن، محمد. ۱۳۹۱ش، حقوق خانواده، چاپ دوم، تهران: انتشارات جنگل.

ساروخانی، باقر. ۱۳۹۳ش، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، چاپ بیست و یکم، تهران: انتشارات سروش.

- سروش محلاتی، محمد. ۱۳۸۶ش، **دین و دولت در اندیشه اسلامی**، چاپ دوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- سریع القلم، محمود. ۱۳۸۰ش، **روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین الملل**، چاپ اول، تهران: نشر فرزاد روز.
- شمس، عبدالله. ۱۳۸۱ش، **آیین دادرسی مدنی**، چاپ سوم، تهران: دراک.
- قاری سید فاطمی، سیدمحمد. ۱۳۹۳ش، **حقوق بشر در جهان معاصر، جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها**، چاپ اول، تهران: شهر دانش.
- قزائتی، محسن. ۱۳۸۹ش، **تفسیر نور**، چاپ دوازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۶ش، **توجیه و نقد رویه قضایی**، چاپ پنجم، تهران: پایدار.
- کاشف الغطاء، جعفر. بی تا، **کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء**، چاپ شانزدهم، اصفهان: مهدوی.
- گاردنر، ویلیام. ۱۳۹۲ش، **جنگ علیه خانواده**، معصومه محمدی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- مجتهد شبستری، محمد. ۱۳۸۱ش، **نقدی بر قرائت رسمی از دین (بحران‌ها، چالش‌ها، راه حل‌ها)**، چاپ دوم، تهران: انتشارات طرح نو.
- محقق داماد، سید مصطفی. ۱۳۸۷ش، **بررسی فقهی حقوقی خانواده**، چاپ پانزدهم، تهران: انتشارات علوم اسلامی.
- محمدی گرگانی، محمد. ۱۳۹۳ش، **جستاری بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران**، چاپ دوم، تهران: انتشارات شهر دانش.
- محمودیان، محمدرضا و همکاران. ۱۳۸۹ش، **دانش خانواده**، چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات سمت.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۶۴ش، **مجموعه آثار**، چاپ دهم، تهران: صدرا.
- منتظری، حسینعلی. ۱۴۰۹ق، **دراسات فی ولاية الفقیه وفقه الدولة الاسلامیة**، چاپ سوم، قم: المركز العالمی للدراسات الاسلامیة.
- موحد، محمد علی. ۱۳۹۲ش، **در هوای حق و عدالت از حقوق طبیعی تا حقوق بشر**، چاپ چهارم، تهران: نشر کارنامه.
- موسوی بجنوردی، سیدمحمد. ۱۳۸۹ش، **اندیشه‌های حقوقی حقوق خانواده**، چاپ دوم، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
- موسوی خمینی، سید روح الله. ۱۳۸۵ق، **الرسائل**، مجتبی تهرانی، چاپ اول، قم: اسماعیلیان.
- مهدوی، سید محمدصادق. ۱۳۸۸ش، **آسیب شناسی و بایسته‌های خانواده**، مندرج در «مجموعه مقالات آسیب شناسی خانواده»، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.



واعظی، احمد. ۱۳۸۰ش، حکومت دینی، چاپ پنجم، تهران: مرصاد.

### کتاب انگلیسی

Pierre Bourdieu, (1987). The Force of Law: Toward a Sociology of the Juridical Field, Hastings Law Journal, 1987, Vol. 38, p. 814.

### مقالات

حبیبی تبار، جواد. ۱۳۸۸ش، «طلاق و لایحه حمایت از خانواده»، مطالعات راهبردی زنان، ش ۳۴. راسخ، محمد و رفیعی، محمدرضا. ۱۳۹۳ش، نسبت حکومت با زندگی مطلوب، ارزیابی رویکردهای بی طرف و کمال گرا، مندرج در کتاب «مجموعه مقالات در تکاپوی حقوق عمومی»، تدوین دکتر علی اکبر گرجی، تهران: انتشارات جنگل.

علاسوند، فریبا. ۱۳۹۲ش، «مداخله حکومت اسلامی درباره حقوق خانواده»، مطالعه راهبردی زنان، سال شانزدهم، شماره ۶۲، صص ۱۰۳-۶۵.

مرتضوی، سیدضیاء. ۱۳۹۵ش، «قلمرو اختیارات دولت در مسائل خانواده در نگاه علامه طباطبائی»، مطالعه جنسیت و خانواده، سال چهارم، شماره اول، صص ۳۵-۱۳.

مهدوی زاهد، مهدی. ۱۳۹۰ش، «تأثیر تحولات نهادهای اجتماعی بر امکان دولت قانونمند در ایران»، مجله دولت پژوهی، سال دوم، شماره ۵، صص ۲۵-۴۷.

## **Familyism in Constitution of Islamic Republic of Iran Inspired by Quranic Doctrines**

Mohammad Reza Kiyani Poor: Assistant Professor, Islamic Azad University, Hashtgerd Branch

Ali Akbar Gorji: Faculty Member, Shahid Beheshti University

Bakhtiyar Nasiri: Assistant Professor, Islamic Azad University, Yasouj Branch

### **Abstract**

The constitution is considered as fundamental document that contains people's rights and liberties that is inspired by the Quranic doctrines; paying attention to development and establishment of family have been disregarded from lawyers' viewpoint and principles such as principle No. 10 of constitution obliges the government to plan in order to facilitate, form and consolidate the foundations of the family and preserve its sanctity. Of course, although the family is a private realm, some decisions about it have social dimensions. In such cases, the support of the legislature and lawmaker is necessary. Obviously, this support should never lead to interference.

**Keywords:** family, constitution, civil law, Quranic doctrines.